

توطئه تغییر خط!

همانطور که میدانیم بعضی از فضلاء کشور! خواب تازه‌ای دیده‌اند و در مطبوعات تهران زمزمه تغییر خط فارسی را از نو ساز کرده‌اند. این بار پیش آهنگ این زمزمه خطرناک یکی از روزنامه‌هایی بود که در تهران بزبان انگلیسی و بخاطر انگلیسی‌زبانها، ویا برای «از فرنگ» بر گشته‌ها، می منتشر می گردد که زبان مادری خود را فراموش کرده‌اند، و خط آنرا هم میخوانند فراموش کنند!

گروهی می پرسند: تجدید جنجال تغییر خط برای چیست؟ آیا واقعاً دستی در کار است که باین توطئه جامه عمل بپوشاند؟ آیا کسانیکه دم از این موضوع میزنند دلشان برای مردم سوخته؟ یا برای درمان بیک بیماری روانی از نوع «عقده حقارت» و «کمبود شخصیت» هواداران آن می باشد؟ ..

مادر اینجا با این انگیزه‌ها کاری نداریم ولی آنچه مسلم است آنست که مطرح ساختن مجدد این مسئله و برهم زدن «گنبد» آن، ناشی از یک نوع بیماری ویژه‌ای است که جامعه شناسان آنرا «غرب زدگی» نامیده‌اند!

واگر این مرض واگیر شود؛ ملت مسلمان ایران را در پرتگاه اضحلال قرار خواهد داد و در سایه آن درد نیایی که سیاهان آفریقا استقلال و آزادی کامل خود را بدست می‌آورند، ملتی با تاریخ چند هزار ساله اش بمثابة «دنباله باد باد کت غرب» (۱) در خواهد آمد!

سابقه موضوع:

بدنبال پیشرفت غرب و شکوفان شدن تمدن آن که در اصل از مشرق سرچشمه گرفته (۲) گروهی «خودباخته» در مشرق زمین و از جمله ایران، هواداران شدند که باید مشرق هم از هر

(۱): بنا به تعبیر جان کندی در کتاب «استراتژی صلح».

(۲): رجوع کنید بکتابهای تاریخ تمدن، بالخصوص «تاریخ تمدن غرب و مبانی آن

در شرق، و تاریخ تمدن ویل دورانت.

جهت خود را همانند غرب سازد و خیال کردند که فقط همانندی در ظواهر، با همه مفاسد و معایبی هم که دارد، میتواند تمدن جدید و صنعت و پیشرفت را هم همراه خود بیاورد!

یکی از اینگونه کسان، در دوران پیشین از «پرنس» فتوائی صادر کرد که «ایران باید ظاهراً و باطناً، جسماً و روحاً فرنگی‌مآب شود و بس» (۱) و این «فرنگی‌مآبی» را تنها راه پیشرفت نامیدند و سپس یکی از عوامل مؤثر «فرنگی‌مآبی» را هم تغییر خط قلمداد نمودند و مثلاً مرقوم داشتند که: «... بواسطه نشر خط لاتینی و تعمیم تعلیم آن، روزنه جدیدی برای تابش نور معرفت باز میشود و تمدن ما با اروپا هم‌بوط شده و مجرای نهر تمدن غربی بمملکت ما گشوده میگردد و بهمین طریق یاد گرفتن السنه اروپائی هم که کمال احتیاج بان هست سهلتر میشود...» (۲)

بدین ترتیب قرار شد که ایرانی «فرنگی‌مآب» شود و باید یاد گرفتن «السنه اروپائی» و «نشر خط لاتین»، «مجرای نهر تمدن غربی بمملکت ما گشوده» گردد!

ولی نتیجه این فرنگی‌مآبی چه شد؟ بدنیت که از زبان هوادار سرسخت آن بشنویم: «... من گفتم فرنگی‌مآب شویم نه فرنگی! در هیچ جای دنیا اینگونه خضوع به خارجیان و حقارت، شیوع نیافته است» (۳)

و آنکاه در تیرماه سال ۱۳۳۸ هجری شمسی هم در مجلس سنا تدریس انگلیسی در دبستانها را «گناه کمپره» ای نامیدند که استقلال و ملیت ایرانی را در معرض خطر قرار داده است. (۴)

با اینکه هواداران سرسخت فرنگی‌مآبی پس از گذشت نیم قرن، نتیجه آنرا دیده و از عقیده خودشان رسماً برگشتند ولی اکنون گروهی «نو خودباخته» و مبتلابه بیماری «غرب‌گرایی»، خواستار تغییر جدی! خط هستند و برای آماده ساختن محیط و پرورش افکار نسل جوان در جهت گرایش به این فکر استعماری، چنین قلمداد میکنند که گویا خط فارسی، باعث شده که غربیان نتوانند فارسی یاد بگیرند و یا خط فارسی دارای معایب بیشماری است و موجب بیسوادی است و یا اصالت ملی ندارد و اوها و افسانه‌هایی از این قماش!

راستی این گروه چه میخواهند؟ ... مدیر مجله «یغما» در مجله «خوشه» چند هفته پیش بالصراحه «هدف» را مشخص ساخت و نوشت: «بازمسأله خط را علم کرده اند و میخواهند

(۱) : مجله «کاوه» ص ۲ چاپ برلن، شماره مسلسل ۳۶، مورخ «غرة جمادی الاخر»

۱۳۳۸ هجری قمری .

(۲) : کتاب «مقدمه تعلیم عمومی» بقلم آقای تقی‌زاده .

(۳) : اطلاعات شماره ۹۹۵، (۴) رجوع کنید به روزنامه‌های آن تاریخ تهران .

فرهنگ ملی و هنویات زبان ما را ریشه کن سازند. غریبان چون موریا نه بجان معنویات و فرهنگ ملل مشرق افتاده اند و اندک اندک آنرا میجوئند و می بلعند و شیره اش را میمکنند و تفالهاش را بدور می افکنند ...

مگر خط ما از خط چین و ژاپن پیچیده تر و دشوارتر است اگر پیچیدگی خط راه ترقی را می بندد اکنون باید چین و ژاپن در پست ترین مراتب بدویت باشند ... ولی تقریباً اطمینان قطعی است که نیت همان قطع ریشه درخت تنومند و کهن سال فرهنگ ایران و نیز جدائی ملت ایران از مسلمانان و همسایگان و تخفیف مذهب اسلام است ...

خط ژاپن :

سخن از ژاپن میان آمد ، بد نیست که اشاره ای بچگونگی وضع این کشور بنمائیم که ۱۵ سال پیش بلاقید و شرط تسلیم مهاجمین غربی شد و دوشهر بزرگ آن با بمب اتمی ویران گردید ولی اکنون اقتصاد پیشرفته آن طوری است که مورد اعجاب همگان قرار گرفته و کالاهای آن حتی بازارهای آلمان ، فرانسه ، آمریکا را هم پر ساخته است و فرهنگ آن بموازات غرب پیش میرود .

هواداران تغییر خط در ایران که میگویند خط فارسی بفرنج پیچیده است و موجب بیسوادی میشود ، اگر وجدان و انصاف داشته باشند با توجه بوضع فرهنگی ژاپن ، حرف خود را پس بگیرند !

در ژاپن روزانه بیش از ۱۳۰ روزنامه با تیراژ مجموعاً ۳۵ میلیون نسخه منتشر میشود ، در صورتیکه خط ژاپنی رویه مرفته دارای « پنج هزار علامت » است ، ولی با این وضع ، تیراژ ۳۵ میلیون شماره در روز بخوبی نشان دهنده چگونگی باسوادی مردم ژاپن است که توانسته اند در سایه استقلال و کار و کوشش با خط بفرنج خود « درد بیسوادی » را دوا کنند و با بهانه « بفرنجی خط » خود را معطل نساخته اند و در فکر تمویض آنهم نیافتاده اند .

خط ژاپنی بقدری شکل پیچیده دارد که گفته اند : « مکالمه بزبان ژاپنی کار ساده و خواندن آن مشکل و نوشتنش غیر ممکن است ! » ولی مردم ژاپن همین خط غیر قابل نوشتن را فرامیگیرند و در راه تکامل همه جانبه ، بجلو میروند .

توکیو پایتخت ژاپن ، ۶۴۴ کتابخانه عمومی دارد که جمعاً متجاوز از ۱۷ میلیون جلد کتاب دارند در شهر ها و روستاهای ژاپن ۱۰۸۱۵ کلوب کتاب ، در دانشگاههای کشور ۴۶۲ کتابخانه با ۲۴ میلیون کتاب وجود دارد . و مدارس ژاپن با ۳۰ هزار کتابخانه و دهها میلیون جلد کتاب ، عرق شرم بر جبین کسانی می نشاند که درد بیسوادی ایران را ناشی از خط فارسی قلمداد می کنند و میخواهند آنرا به خط غرب مسیحی تبدیل نمایند !

(۱) (نقل از مجله خوشه)

کتابخانه عمومی مکتب اسلام
انگ - تاسیس ۱۳۴۳

در ترکیه :

در قبال ژاپن ، بدنیست که از «کشور زنه» تغییر خط یعنی همسایه مسلمانان ترکیه نام ببریم . در ترکیه تقریباً چهل سال پیش ، کلمات عربی و فارسی از لغت و زبان ترك اخراج شد ، قرآن مجید بترکی درآمد و با خط لاتین چاپ گردید ، اذان و خطبه‌های نماز جمعه به ترکی قرائت شد ، تقویم هجری به تقویم میلادی تبدیل یافت ، بجای جمعه مسلمانان یکشنبه مسیحیان تعطیل رسمی اعلام شد ، و تغییر خط اسلامی به لاتین ، اجباری گردید (۱) .

ولی نتیجه چه شد ؟ (صرف نظر از آنکه نسل جوان ترکیه مسلمان تقریباً از فرهنگ اسلام جدا شد) پس از چهل سال ، طبق آمار یونسکو ، تازه در ترکیه رقم باسوادان بین سی و چهل درصد در نوسان است که البته اگر پیشرفتی هم در این زمینه شده بیشتر مربوط به «زمان» است نه تغییر خط . . . و مضحك آنجا است که در ترکیه چون دیدند خط لاتین «مخارج» حروف خاص مشرق - زمین را ندارد ، آمدند مثلاً : شوج لاتین را هم نقطه گذاری کردند ؛ ولی متأسفانه آنهم دردی را دوا نکرد ! .

توطئه خطرناک

زمزمه تغییر خط چه در ایران و چه در کشورهای اسلامی دیگر ، بدون شك يك سرچشمه خارجی و ضد اسلامی دارد و هدف نهایی از آن ، جدا کردن ملت‌های مسلمان از یکدیگر و اضمحلال وحدت فکری و عقیدتی مسلمانان و از هم گسستن «پیوندهای احتمالی رابطه جهانی اسلامی» است .

روس‌ها در «جمهوری آذربایجان شوروی» نخست خط اسلامی را به لاتین تبدیل کردند و سپس با زور سر نیزه خط روسی را جانشین آن ساختند تا هر گونه پیوند این منطقه را با «ایران» و «ترکیه» از بین ببرند ، در بخارا ، خیوه ، تاشکند و عشق آباد الفبای روسی برای آن جای - گزین الفبای فارسی شد که مردم مسلمان آن از ارتباط فکری با افغانها و ایرانیها و مسلمانان دیگر برکنار بمانند ! .

در کشورهای عربی : مراکش ، مصر ، سوریه ، لبنان هم استعمار فرانسه در دوران تسلط ظالمانه خود ، پرچمدار نهضت تغییر خط بود و رهبری این «جنبش» فرهنگی را مستشرق مشهوری بهمهده داشت که کارمند وزارت امور خارجه فرانسه بود و در ظاهر «اسلام شناس» ، بشمار میرفت ! (۲)

(۱) : به کتابهای : «همسایه ما ترکیه» و «ترکیه امروز» چاپ تهران و «کمال آنا تورك» چاپ اراک مراجعه شود .

(۲) : التبشیر والاستعمار تألیف دکتر خالیدی و دکتر فروخ چاپ بیروت ص ۲۱۸ و بیهده .

در مراکش در دوران پدربسلطان محمد پادشاه قبلی آن ، انجمن فرهنگی فرانسه و مراکش و مجله تحقیقات و تنبیحات مراکشی ، نهضت فرهنگی و تغییر خط را دنبال میکرد که باقیام استقلال طلبانه مسلمانان آن سامان ، باین آرزو هم پایان داده شد .

در کشورهای آفریقایی هم امروز پدران روحانی و مبشران مسیحیگری ؛ که در واقع پیشتازان جنبش نئو کلنیالیسم ، در شکل جدید خود هستند ، در مدرسی که باز کرده اند ، خط لاتینی را بکودکان تعلیم میدهند .

و شاید همین علت است که می بینیم يك كشيš لبنانی بنام «رفائیل نخله» برای مردم مسلمان «سوریه و لبنان» دلسوزی می کند و کتابی تحت عنوان «قواعد اللهجة اللبنانية السورية» می نویسد که در آن از مردم عرب میخواهد که خط لاتینی را هر چه زودتر جایگزین خط عربی کنند

* * *

خوشبختانه در «ایران» مردم مسلمانان ما فضلا و رجال دوراندیش ، در برابر این توطئه خطرناک مقاومت میورزند و هر گونه نظری را در زمینه تغییر خط محکوم میسازند و میگویند: اگر در خط فارسی فرضا معايبی وجود دارد ، آنها را باید «اصلاح» کرد .

یکی از رجال سیاسی معروف درباره نقش کلیسا در این زمینه میگوید: «... باید قبول کنیم که کلیسا تعدد داشته که حروف عربی را بطور آشکارا نپذیرد ... کلیسا و مسیحیت از روی لجاج و عناد با خط عربی مخالفند ولی ما نباید همه میراثهای گذشته خود را پیش پای غرب و مسیحیت قربانی کنیم ، زرمه تغییر خط تنها جمعی است از سوی غرب و مسیحیت بسوی شرق و فلسفه عمیق اسلامی آن» (۱) .

و ماهم سخن خود را با جملاتی از آقای «محیط طباطبائی» که چندی پیش آنرا در یکی از مجلات پایتخت در ضمن مقاله «زنگ خطر یا جنگ خط» نوشته ، پایان میدهیم :

«ما می خواهیم هزار سال سیاه اروپائیهای سود پرست خط ما را نیاموزند و برای ربودن ثروت اقتصادی و ملی ما ، وسیله تازه و نیرومندتری پیدا نکنند .

ما خطی را دوست داریم که آموختن آن فارابی و ابن رشد و ابن هیثم و غیاث الدین جمشید کاشانی و ابن سینا ... را از پیشرفت علمی باز امیداشت ..

... و چنین است نظریه اکثریت قاطع مردم مسلمان ایران !

(۱) : مجله تهران منور شماره ۱۱۶۱ جمعه ۱۲ آذرماه ۴۴ .